



بی‌حسی مردم نسبت به سیاست

محمدرضا تاجیک، استاد علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی در گفت‌وگو با «فرارو» در پاسخ به سوالی درباره اینکه چرا مردم نسبت به مسائل سیاست داخلی و خارجی دچار نوعی بی‌حسی شده‌اند؟ گفت: «این بی‌حسی، از یک منظر، نتیجه «تکرار تکرار نخواستن آن چه هست و خواست آن چه نیست» است. روح رنجور انسان و جامعه ایرانی، امروز از فقدان «نیک‌زیستن» و از «زیستن»‌ی باشد که از آن دریغ شده است، سخت در رنج و بی‌تاب تغییر است. انسان ایرانی، دیربست که اهالی تمیز و تدبیر خویش را در اندیشه تغییری در منش و روش خویش در جهت تأمین و تضمین نیک‌زیستی مردمان نمی‌بیند، اما می‌بیند در فقدان این تأمل اندیشگی و این فقدان اراده-به-تغییر، سامان اخلاقی دروغین و دردناک و تهی از نیکی و حقیقت‌مندی بر زیست فردی و اجتماعی ایرانیان حاکم شده است که دیگر زیستن نمی‌توانش دانست. می‌بیند در این ناوضعیتی (وضعیت انجماد و سترونی و تعلیق) که بر جامعه حاکم شده است، دیگر کسی از کرامت و عدالت و فضیلت برخوردار نیست، و زندگی تبدیل به یک سامان اخلاقی ویران و مرگ‌آفرین و هم‌بسته روح تباه و تپه‌کار طالبان قدرت و منفعت گردیده است. می‌بیند که خبر فردی و اجتماعی، دیگر امکان پیوند با یکدیگر ندارند.» وی در ادامه افزود: «دقیقا در دقیقه تمنای ناکام «آن چه می‌خواهد و نمی‌بیند»، انسان ایرانی گرفتار نوعی تروما شده است که لزوما ره به بی‌حسی و انفعال نمی‌برد. چنان چه بپذیریم که فقدان چیزی موجب تمنای آن، و تمنای ناکام آن موجب نوعی روان‌خیم یا ترومای سرکوب‌شده، و بازگشت این ترومای سرکوب‌شده همواره با نوعی خشم و خشونت همراه است، آن گاه راز درون‌پرده نگاه و احساس و رفتار اعتراضی مردمان ایران امروز بر ما آشکار می‌شود. به بیان دیگر، چنان چه بپذیریم زمانی که انسان ایرانی در قلمرو زیست فردی و جمعی خویش، هر نشان و نشانه‌ای که می‌بیند بیانگر تباهی و پلشتی است، و کنش‌هایی که قرار بود در قلمرو اخراقی درون‌مایه زیست اخلاقی یا نیک‌زیستی او را فراهم آورند، از کار افتاده‌اند، در هیبت انکار و عدوی «آن چه می‌بیند و نمی‌خواهد» ظاهر می‌شود. در این شرایط، پند اندرز اخلاقی و خشم و خشونت، دیگر کارگر نمی‌افتند و مردمان خود کارگزار تغییر تاریخی خویش می‌شوند. می‌خواهم بگویم درون این «بی‌حسی» غوغا و هیاهو و شورش و خیزشی برپاست که چون برون شود نه از تاک نشان و نه از تاک‌نشان.» تاجیک همچنین با اشاره به جنگ ۱۲ روزه گفت: «جنگ دوازده‌روزه، موجب نوعی احساس «محرومیت نسبی» در جامعه ایرانی نیز گشت: در دوران پساجنگ، انتظار برای تغییرات معنادار در تمامی سطوح حکومت‌مندی به‌شدت بالا رفت، اما چون گردها خوابید و شب رفت و روز فراز آمد و گذشت از شب دو کوته پاس، بانگ طبل اهالی قدرت رفت تا هر سو که «می‌نجنبید آب از آب، آن‌سان که برگ از برگ، هیچ از هیچ... دیروزتان بد و امروز و فرداتان بتر. در این شرایط، با نوعی معنا‌باختگی بکنی - که حاصل تجربه جنگ دوم جهانی و باور به ناممکنی سیر تحول خطی روند تاریخ بود- یا معنا‌باختگی روزگی - که نتیجه نوعی هنک حرمت ساحت خیال و انتظار و خواست مردم است- مواجه می‌شویم که در وضعیت و حالت بی‌حسی و انفعال، ظهور می‌کند، اما چه کس است که نداند این هنوز آغاز است و پنجره به‌روی صبح‌دم باز است.»

وی در ادامه افزود: «در جامعه امروز ما، مسئله آن نیست که مردمان ترک سیاست کرده‌اند و عطایش را به لقایش بخشیده‌اند یا نه، بلکه این است که سیاست در تمامی خلل و فرج زندگی فردی و اجتماعی آنان نفوذ کرده و هیچ منطقه‌افراعی برای امر غیرسیاسی باقی نگذاشته است. در این شرایط، اساسا گزیر و گریزی از سیاست نیست: حتی حکم این جابه‌جایی اولویت‌ها را هم سیاست گفت. امروز، مردم ما رو به هر سو می‌کنند جز سیاست نمی‌بینند. سیاست، آن الهه‌نیستی و تباهی است که در همه‌چیز و همه‌کجا هست، و چون بر او پشت کنی، او یک لحظه تو را در هیچ‌انی از آنات، در خود (در خلوت و جلوت، رها نخواهد کرد. اگر چه، آن چه انسان ایرانی بنام سیاست تجربه می‌کند با او هم‌زمان و هم‌زمان نیست، و گاه، یک گام جلوتر، و گاه دیگر، دوگام عقب‌تر، و گاه نیز، در مقابل یا ناغی و انکار اوست، و این دو هیچ‌گاه در یک اکنون مشابه (به تعبیر از نست بلوخ) یا سوبه مشابه به‌سر نمی‌برند، و اگر چه، تصویر و تصور متقابل مردمان و اصحاب سیاست از یکدیگر همواره شبیه تاریکخانه‌ای است که عکس‌های آن یک‌جا زیادی نور خورده‌اند، و زیادی روشن شده‌اند، و جایی دیگر کم‌تر نور دیده‌اند و تیره‌اند، اما در واپسین تحلیل، سیاست همواره در قعر ناخودآگاه آنان حضور دارد، و دیدگشت سیاسی آنان را- در نزدیکی و دوری از خود- شکل می‌دهد.»



بررسی نحوه برخورد دولت بادعواهای سیاسی و ضرورت‌های آن

...هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند قوام یابد، مگر اینکه بدون دعوا و نزاع، سلاقی مختلف را بپذیرد و اجازه دهد که همه سلاقی در چارچوبی مسالمت‌آمیز در کنار هم زندگی کنند.»

پزشکیان بارها از «دعوا نکنیم» استفاده کرده است و در این بین بعد از هر «دعوا نکنیم» به ضرورت به رسمیت شناختن تنوع و اختلاف نظر نیز تاکید داشته است. اختلافات سیاسی میان جریان‌های سیاسی مختلف، طبیعت دنیای سیاست است اما چگونه می‌شود که اختلاف باشد و بلد باشیم که «چگونه دعوا نکنیم». روز گذشته غلامحسین کرباسچی، مدیرمسئول روزنامه هم‌میهن و فعال سیاسی اصلاح‌طلب در گفت‌وگو با انصافیوز هم به موضوع دعواهای سیاسی اشاره کرد و گفت: «دولت نباید خود را درگیر این دعواها کند.» او اضافه کرد که «این دعواها برای مرعوب کردن دولت است. دولت باید تمام هم و غم‌اش را روی حل مسائل مردم بگذارد و وارد این بحث‌های سیاسی هم نشود. این بحث‌ها نباید مخل کار اصلی دولت شود. سعی کند این جزویبحث‌ها تأثیری روی خدمات دولت نگذارد. امثال این موضوع که فالنی طرفدار کیست و چیست یا فلان ایده را دارد و امثال این دعواها برای این است که دولت را مرعوب کنند و دولت از خدمت‌رسانی به مردم بازداشته شود. به نظر من مهمترین مسئله برای دولت این است که به وعده‌هایی که داده عمل کند و فشار را از روی دوش مردم بردارد حالا بقیه هم هر چقدر دعوی سیاسی می‌خواهند کنند دعوا کنند!»

البته در این راستا بین درخواست «دعوا نکنیم» و چگونگی مواجهه با دعواهای سیاسی از سوی دولت تفاوت‌هایی وجود دارد. همانطور که پیشتر با استناد به سخنان خود پزشکیان اشاره کردیم: اختلاف میان جریان‌های سیاسی و اختلاف نظر در میان تشکله‌ها و احزاب سیاسی، به موجب پویایی فضای سیاسی و البته تقویت جایگاه احزاب و مفهوم تحزب می‌شود. پویایی در کشورداری نیز بر اساس همین تنوع نظرات و اختلافات است و انتظار هم بر این است که جریان‌های مختلف سیاسی و



درباره دعوی سیاسی باید به این موضوع اشاره داشت که معمولاً دعوی سیاسی فراتر از آن بحث اختلاف سلیقه و نظر در کشورهای مختلف از جمله کشور ما مطرح می‌شود؛ گاهی صرفاً این دعواها در راستای فشل کردن و ناکارآمدسازی دولت‌هاست



تشکل‌ها وقتی پا به عرصه سیاست و اعلام موجودیت می‌گذارند در مسیر تبیین نظرات خود بر همین تفاوت‌ها تاکید داشته باشند. تا اینجا ی قضیه روندی است که معمولاً در همه کشورهایی که برای سیستم سیاسی آن تحزب معنا دارد و کشورهایی که در مسیر توسعه سیاسی می‌خواهند گام بردارند به چشم می‌خورد اما موضوع دعوای سیاسی فراتر از این مسائل است. شاید بخشی از آن به محدودیت‌هایی که مانع گردش درست نخبگان در دنیای سیاست است برگردد؛ بخشی از آن به نبود امکان برابر در پیگیری خواسته ها و البته بخشی از آن هم به فرهنگ سیاسی باز گردد و دعوای سیاسی محدود به سیستم سیاسی خاصی نیست و همه جا و در همه نوع حکومت‌ها شکل می‌گیرد. در ایران ما امیدواریم تنوع نظر و اختلاف سلیقه در زمینه‌های مختلف از جمله در حوزه سیاسی به رسمیت شناخته شود. تشکل‌ها و جریان‌های سیاسی برای تدوین، تبیین و بیان آن ورود کنند و البته دولت هم در این مسیر با قبول این تنوع و اختلاف‌نظر شرایط ابراز آن را فراهم سازد و در نهایت هم موضع خودش را بر اساس خاستگاه و برداشتش از خواسته جامعه و نیازهای کشور یا همان منافع ملی پیگیری کند. درباره پزشکشان و دولت متبوعش هم انتظار این است که تصمیمات را بر اساس ارزیابی و نظر کارشناسی که در همان روزهای مناظرات انتخاباتی و شروع به کار دولت مطرح کرده بود و مبتنی بر عللی که مردم او را برای این سمت برگزیدند و به پاس‌تور فرستادند، اخذ کنند؛ حتی اگر جریان‌هایی در پی دعوای سیاسی به دنبال غوغاسالاری باشند.

درباره دعوای سیاسی باید به این موضوع اشاره داشت که معمولاً دعوای سیاسی فراتر از آن بحث اختلاف سلیقه و نظر در کشورهایی مختلف از جمله کشور ما مطرح می‌شود؛ گاهی صرفاً این دعواها در راستای فشل کردن و ناکارآمدسازی دولت‌هاست.

در بیان این تفاوت این را می‌توان بیان کرد که معمولاً در پی اختلاف‌نظرها میان جریان‌های سیاسی و مسیری که آنها ترسیم می‌کنند، مردم در مواقعی مانند انتخابات بین گزینه‌ها تصمیم می‌گیرند و فرمان بخشی از امور را به گزینه مد نظر خود می‌دهند. البته در همین اثنا هم انتظار می‌رود جریان‌های مختلف نظرات خود را مطرح کنند و نقد و حتی اعتراض خود را بیان کنند. در چنین شرایطی منتخب مردم که در اینجا منظور رئیس جمهوری است باید باشد و در این بین دولت‌ها باید مراقب باشند در ورطه این دعوها نیفتند یا این تاکید که معنی آن نشنیدن صداهای مختلف نیست. در نهایت هم دولتمردان حواس‌شان باشد این «دعوا نکنیم» قرار نبود در کریدور ترس از جریان مقابل و کوتاه آمدن از خواست‌های مردم باشد بالاخره اینکه رئیس جمهور کوتاه بیاید و به حرف رقیب گوش دهد که فقط دعوا نشود هنر نیست؛ باید تعامل ایجاد شود. همانطور که از دولت پزشکیان انتظار آن است که وارد بازی‌های پشت این دعوای سیاسی نشود؛ انتظار بوده و هست در مسیر جلب نظر مردم و حامیان‌ش راه موعولی را در پیش بگیرد. معمولاً دعوایها و سن‌گاندازان در برابر تحقق وعده‌های دولت بیش از آنکه در این دعوای‌های سیاسی پیرو دغدغه‌های مردم یا راهکاری برای بهبود زندگی مردم بدهند، در مسیر خواست جریان سیاسی و منافع حزبی قرار دارند.

سخن آخر اینکه انتقاد و حتی اعتراض به دولت و تصمیمات‌ش نه اشتباه بلکه در مواردی به شفاف‌سازی موضوعات و ترسیم راه بهتر کمک می‌کند اما در کشور ما با توجه به اینکه این موارد در فضاهایی مانند مجلس مطرح می‌شود؛ تبدیل به ابزاری برای چوب‌لای چرخ دولت گذاشتن مثلاً به قیمت رای آوردن در انتخابات بعدی است. بنابراین در فضای سیاسی اینکه چگونه اختلاف‌نظر داشته باشیم اما دعوا نکنیم بسیار مهم است و اینکه دولت چقدر و چگونه نسبت به این دعوای‌های سیاسی واکنش نشان دهد موضوع مهم‌تری است. در این راستا با محمد مهاجری، فعال سیاسی اصولگرا، افشین حبیب‌زاده، عضو شورای مرکزی خانه کارگر و غلامعلی جعفرزاده‌ایمن‌آبادی، عضو شورای مرکزی حزب اعتدال و توسعه گفت‌وگو داشتیم که در ادامه می‌آید.

در فضای سیاسی ایران یک جریان حامی دولت داریم و در مقابل آن جریانی قرار دارد که منتقد دولت است. نوع نگاه آنها به مسائل، بحث‌های مختلفی ایجاد می‌کند و اختلافاتی به میان می‌آید. چقدر دولت‌ها باید بر این اختلافات اشراق داشته باشند و چقدر باید نسبت به آن واکنش نشان دهند؟

که افرادی که در دوره سه‌ساله آقای رئیسی، ظلم‌ها، کم‌کاری‌ها، بداخلاقی‌ها را دیدند اما حرفی نزنند؛ الان حق حرف زدن ندارند، آنها باید سکوت کنند. افرادی که آن سه‌سال را دیدند، آن همه مشکل و گزارش خلاف واقع را دیدند و چیزی نگفتند، حق ندارند منتقد این دولت باشند. اینها دلسوز مردم نیستند، بلکه افرادی هستند که فقط دنبال منافع شخصی می‌روند. دولت هم باید تلاش کند که وارد بازی این تندروها نشود. اینها می‌خواهند میدان حاشیه‌ای درست کنند که دولت مشغول این حاشیه‌شود. دولت باید سعی کند مشکلات مردم را حل کند. هیچ دولتی بدون ایران نیست و یکی از کم‌ایرادرترین‌ها همین دولت است. این دولت هم که مشکلات را از دولتی تحویل گرفته که هیچ کاری برای این کشور نکرد و فقط خلاف واقع تحویل مردم داد. دولت آقای پزشکیان باید تلاش کند وارد حاشیه نشود و خیلی هم توجهی به این مسائلی که تندروها می‌گویند نداشته باشد. هدف اینها این است که بتوانند شورای شهر و مجلس را به دست آورند و مردم را بدبین کنند. همان کاری که با دولت آقای روحانی کردند را می‌خواهند با دولت پزشکشان هم انجام دهند. همانطور که گفتیم دولت نباید وارد این بازی‌ها و جنجال‌های سیاسی شود و در این میدان توپ‌نزند. دولت فقط باید خدمت کند. راه ایجاد کند و مشکلاتی که مردم دارند را کمتر کند. متأسفانه، به دلیل چیزی که به ارث برده خیلی مشکل دارد.

افشین حبیب‌زاده: وقتی که جناحی قدرت را به‌دست می‌گیرد و آن شخصی که معرفی کرده، در مسند قدرت می‌نشیند؛ از لحظه‌ای که در قدرت می‌نشست باید تمام هم و غمش اجرای وعده‌ها و برنامه‌هایی باشد که ارائه کرده است. این تنها اولویت است و حتی اولویت دومی هم نداریم که دولت بخواد به آن بپردازد. دولت باید از بازی‌های سیاسی فاصله بگیرد و بازی‌های سیاسی را به جریانی واگذارد کند که دولت را معرفی کرده است. جریان‌های سیاسی در کشور ما، رسانه و سخنگو دارند و افراد شناخته‌شده‌ای را دارند که می‌توانند از دولت دفاع کنند. دولت تنها باید به اجرای برنامه بپردازد. در واقع دولت باید از صحنه سیاسی از منظر رقابتی، به‌طور کامل فاصله بگیرد و به برنامه‌ها و وعده‌هایش بپردازد تا در آن مرحله کیفیت حکمرانی را افزایش داده و باعث افزایش و ارتقاء رفاه و آسایش مردم شود.

جعفرزاده‌ایمن‌آبادی: دولت باید کار خودش را انجام دهد. این فضا‌سازی‌ها یک جنگ روانی برای این است که دولت را مشغول حاشیه کرده و به این وسیله، دولت را از کار بیاندازند. دولت باید تلاش کند که وارد حاشیه نشود اما نکته‌ای که باید اشاره کنم این است



را به‌دست می‌گیرد و آن شخصی که معرفی کرده، در مسند قدرت می‌نشیند؛ از لحظه‌ای که در قدرت می‌نشست باید تمام هم و غمش اجرای وعده‌ها و برنامه‌هایی باشد که ارائه کرده است. این تنها اولویت است و حتی اولویت دومی هم نداریم که دولت بخواد به آن بپردازد. دولت باید از بازی‌های سیاسی فاصله بگیرد و بازی‌های سیاسی را به جریانی واگذارد کند که دولت را معرفی کرده است. جریان‌های سیاسی در کشور ما، رسانه و سخنگو دارند و افراد شناخته‌شده‌ای را دارند که می‌توانند از دولت دفاع کنند. دولت تنها باید به اجرای برنامه بپردازد. در واقع دولت باید از صحنه سیاسی از منظر رقابتی، به‌طور کامل فاصله بگیرد و به برنامه‌ها و وعده‌هایش بپردازد تا در آن مرحله کیفیت حکمرانی را افزایش داده و باعث افزایش و ارتقاء رفاه و آسایش مردم شود.



تلاش کند که وارد حاشیه نشود اما نکته‌ای که باید اشاره کنم این است

محمد مهاجری: منتقدان دولت دو گروه هستند. یک گروه تندروهای پایداری هستند که حساب‌شان جداسد. یکسری دیگر هستند که به آقای پزشکیان رای داده‌اند و به دولت ایشان اعتقاد دارند و معتقدند که باید دولت را حمایت کرد اما همچنان باید نسبت به دولت نظارت جدی داشت و اگر جایی کوتاهی وجود دارد، باید انتقاد کرد. این گروه از منتقدان را باید از مخالفان تندى که منطقی در انتقاد ندارند، جدا کرد. من اعتقاد دارم که دولت باید به این منتقدان نوع ۲ خیلی بیشتر توجه کند و آنها را هم صنف گروه اول نداند. اینها کاملاً هم‌سو با دولت و دنبال حل مشکلات کشور هستند. اما در بین افرادی که مدافع دولت هستند، افرادی وجود دارند که به هیچ وجه انتقادی را به دولت بر نمی‌تابند و یک گروهی هم هستند که می‌گویند اگر هم قرار است انتقادی شود، باید در فضای ملایم و غیررسانه‌ای باشد. من معتقدم که در بین این ۴ گروه، آن گروه دوم قابل اعتنا‌تر و قابل توجه‌تر هستند و دولت باید به آنها توجه کند که این مشکلات را رسانه‌ای هم می‌کنند؛ حتی ممکن است گاهی اوقات تند شوند و از دایره انصاف خارج شوند اما به مراتب از افرادی که می‌خواهند ماله‌کشی کنند و همه اشکالات دولت را خُسن ببینند، از حیث دارند.



هستند. یک گروه تندروهای پایداری هستند که حساب‌شان جداسد. یکسری دیگر هستند که به آقای پزشکیان رای داده‌اند و به دولت ایشان اعتقاد دارند و معتقدند که باید دولت را حمایت کرد اما همچنان باید نسبت به دولت نظارت جدی داشت و اگر جایی کوتاهی وجود دارد، باید انتقاد کرد. این گروه از منتقدان را باید از مخالفان تندى که منطقی در انتقاد ندارند، جدا کرد. من اعتقاد دارم که دولت باید به این منتقدان نوع ۲ خیلی بیشتر توجه کند و آنها را هم صنف گروه اول نداند. اینها کاملاً هم‌سو با دولت و دنبال حل مشکلات کشور هستند. اما در بین افرادی که مدافع دولت هستند، افرادی وجود دارند که به هیچ وجه انتقادی را به دولت بر نمی‌تابند و یک گروهی هم هستند که می‌گویند اگر هم قرار است انتقادی شود، باید در فضای ملایم و غیررسانه‌ای باشد. من معتقدم که در بین این ۴ گروه، آن گروه دوم قابل اعتنا‌تر و قابل توجه‌تر هستند و دولت باید به آنها توجه کند که این مشکلات را رسانه‌ای هم می‌کنند؛ حتی ممکن است گاهی اوقات تند شوند و از دایره انصاف خارج شوند اما به مراتب از افرادی که می‌خواهند ماله‌کشی کنند و همه اشکالات دولت را خُسن ببینند، از حیث دارند.